

دکتر امید مهربانی
تصویرگر: سید میثم موسوی

در نظام آموزش و پرورش رسمی ایران و بسیاری کشورهای دیگر، به سواد مالی، به عنوان یکی از ضروری ترین سواد های زندگی امروز، توجه نشده است، اما این بدان معنا نیست که آحاد جامعه نسبت به آن بی توجه اند. این توانایی به صورت غیررسمی، از طریق آزمایش و خطا و از مجاری عموماً نادرست یا ناقص در حال یاددهی و یادگیری است. برای تدوین محتوا و طرح درس آموزش اصولی سواد مالی، ابتدا باید با ابعاد و عناصر آن آشنا شویم که در این شماره و دو شماره بعد، به آن می پردازیم.

در دنیا چه خبر است؟

نگرش های مختلفی در تدوین طرح محتوای آموزش های سواد مالی وجود دارد، اما به هر حال، دو نکته در همه آن ها مشترک است: نخست آنکه محتوای آموزشی موجود، در جزئیات تفاوت های زیادی با هم دارند. برای مثال، محتوای آموزشی که در آمریکا تدوین شده اند، با محتوای ارائه شده در ژاپن، مالزی یا هند متفاوت اند. ریشه این تفاوت در نیازهای این جوامع به سواد مالی است. این تفاوت تنها در سطح فرهنگ و نیاز عمومی مشهود نیست، بلکه براساس مخاطبان نیز می توان تفاوت های اساسی را در محتوای آموزشی احساس و مشاهده کرد. برای نمونه، در آمریکا، محتوایی که برای زندانیان مربوط به شرکت های هر می تدوین می شود، با محتوای مربوط به طرح



«مادران فردا»^۱ تفاوت‌های زیادی دارد. همچنین، می‌توان متفاوت بودن آموزش‌های مربوط به بازنشستگان را نیز کاملاً احساس کرد. دیگر آنکه عنوان‌های کلی آن‌ها غالباً شبیه یکدیگر است. به عبارت دیگر، سرفصل‌ها شباهت زیادی به یکدیگر دارند، و این حکایت از مشترک بودن نیازهای عمومی یا موضوعات کلان مبتلابه اغلب کشورهای توسعه‌یافته یا در حال توسعه دارد.

نکته آموزنده از تجربه دیگر کشورها آن است که محتوای آموزشی باید به‌صورت بومی و متناسب با نیاز جامعه هدف تدوین شوند. در وضع موجود آموزش سواد مالی در ایران، اگرچه هنوز محتوایی رسمی تولید یا ارائه نشده است، اما معلمان و طراحان آموزشی می‌توانند محتوای مورد نیاز را به صورت بومی و صرفاً برای مخاطبان خود تدوین کنند. این نکته تلویحاً موضوعی را به معلمان نوید می‌دهد که برای آموزش سواد مالی به دانش‌آموزان، نیاز نیست منتظر ارائه طرح درس از طرف اداره آموزش و پرورش باشند، زیرا در هر حال ناگزیر از بومی‌سازی چنین طرح درس‌هایی هستند. کاملاً واضح است که نیازهای آموزشی دانش‌آموزان عشایری و روستایی متفاوت از نیازهای آموزشی دانش‌آموزان کلان‌شهرهاست. بنابراین، تدوین طرح درس بومی شده، با وجود زحمات فراوان، جزء جدایی‌ناپذیر آموزش سواد مالی به‌شمار می‌آید.

سرفصل‌های سواد مالی

ابعادی که در ادامه خواهد آمد، براساس مطالعات مفصل چندین ساله‌ای است که نویسنده و گروه همکار وی در ایران انجام داده‌اند. روش کار ساده و پرزحمت بود. به سراغ افرادی رفتیم که در همه یا اغلب قریب به اتفاق شاخص‌های موفقیت مالی که در شماره پیش نیز بدان‌ها اشاره شد، عالی ارزیابی می‌شدند. از طریق گروه‌های کانونی و مصاحبه‌های دقیق که از فنون تحقیقات کیفی هستند، به ابعاد سواد مالی رسیدیم. همه افراد مورد مطالعه دارای وضع مالی بسیار خوب، خودساخته، دارای چندین کسب و کار بسیار موفق در ایران و جهان، معتقد به خدا و آخرت، و دارای خانواده‌های صمیمی و گرم و شاد بودند.

در این گفت‌وگوها متوجه شدیم ابعاد سواد مالی را می‌توان به دو دسته عناصر طبقه‌بندی کرد: عناصر مالی و عناصر زمینه‌ای. دسته نخست را عناصر مالی نام‌گذاری کردیم، زیرا نام‌هایی از

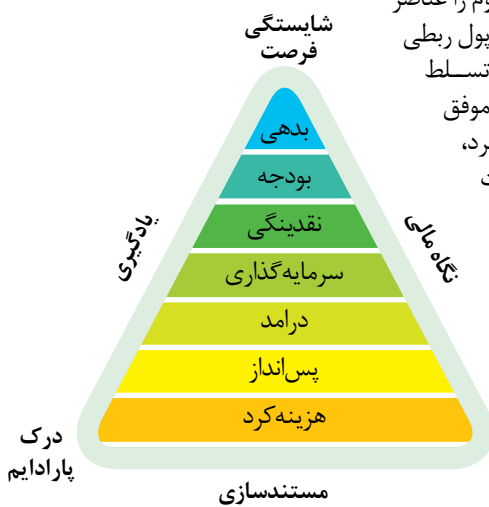
جنس پول و نزدیک به علوم اقتصادی دارند؛ البته افراد موفق از عنوان‌ها یا تکنیک‌های مالی در این ابعاد استفاده نمی‌کردند. دسته دوم را عناصر زمینه‌ای نامیدیم، زیرا در نگاه اول به پول ربطی ندارند، اما به اعتقاد افراد موفق، بدون تسلط بر آن‌ها نمی‌توان در عملکردهای مالی موفق شد. عناصر مالی عبارت‌اند از: هزینه‌کرد، پس‌انداز، درآمد، سرمایه‌گذاری، مدیریت نقدینگی، مدیریت بودجه و مدیریت بدهی. عناصر زمینه‌ای عبارت‌اند از: شایستگی فرصت، نگاه مالی، رصد بازار، مستندسازی، درک پارادایم و یادگیری. نمودار روبه‌رو بیانی از همین طبقه‌بندی و سرفصل‌های مربوط به آن است.

نمودار فوق، نکته مهمی را بیان می‌دارد؛ در عناصر مالی، ترتیب خاصی بین سرفصل‌ها وجود دارد. سرفصل‌هایی که به قاعده مثلث نزدیک‌ترند، عمومی‌تر و به عبارت دیگر مورد نیاز بیشتر مردم هستند. آن‌ها همچنین باید زودتر و از سنین پایین آموزش داده شوند. سرفصل‌هایی مانند مدیریت بدهی یا بودجه، اگرچه مهم هستند، اما معمولاً در سنین نوجوانی و بعد از آن موضوعیت می‌یابند.

هزینه‌کرد؛ زیربنای موفقیت مالی

بدون تردید، درست خرج کردن اولین و مهم‌ترین بخش رفتار مالی درست محسوب می‌شود. حتماً شنیده‌اید که مردم کوچه و بازار می‌گویند: «پول نیست، وگرنه ما بلدیم آن را خرج کنیم». اما واقعیت چنین نیست. بیشتر مردم بلد نیستند پول خود را خرج کنند. نکته تأسفبار آن است که نه تنها درست هزینه کردن را بلد نیستند، بلکه این را هم نمی‌دانند که بلد نیستند و این یعنی جهل مرکب. خوانندگان محترمی که به جزئیات بیشتر در این زمینه علاقه دارند، می‌توانند مقاله‌ای با همین عنوان را که در «چهارمین همایش ملی آموزش»^۲ ارائه شد، مطالعه کنند.

کسی که نتواند درست خرج کند، نمی‌تواند پولی پس‌انداز کند. پس‌انداز - چنان‌که در ادامه توضیح خواهم داد - اگرچه مکان مناسبی برای توقف نیست، اما یکی از نقاط عطف در تحقق موفقیت مالی است.



معلم‌ان برای آموزش سواد مالی به دانش‌آموزان، نیاز نیست منتظر ارائه طرح درس از طرف اداره آموزش و پرورش باشند، زیرا در هر حال ناگزیر از بومی‌سازی چنین طرح درس‌هایی هستند





آموزش پس انداز نه تنها فایده‌های فردی دارد، بلکه به دلیل آثار اجتماعی، توسعه قابلیت‌های آن از سوی حاکمیت و نظام آموزش رسمی، یک ضرورت محسوب می‌شود



* پی‌نوشت

۱. مخاطبان این طرح، دختران ۱۴ تا ۱۷ ساله آمریکایی هستند. هدف از آن، آموزش سواد مالی به مادران فریادست تا از این طریق امکان و احتمال آموزش درست سواد مالی افزایش یابد. محتوای این طرح براساس نیازهای جامعه آمریکایی تدوین شده است. ۲. چهارمین همایش ملی آموزش ۲۸ و ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۱، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی.

اهداف آموزشی بنیادین که باید در این بخش دنبال شوند غالباً به پرسش‌های زیر پاسخ خواهند داد:

- چگونه نیازهای خود را در خرید تعیین کنیم؟
- چگونه آن‌ها را اولویت‌بندی کنیم؟
- چگونه مقدار مورد نیاز بهینه را تعیین کنیم؟ (نه کم بخریم و نه زیاد)
- چگونه بهترین منابع تأمین نیازهای خود را بشناسیم؟
- چگونه بهترین زمان تأمین نیازهای خود را شناسایی و تعیین کنیم؟
- چگونه ارزش واقعی کالا یا خدمت خریداری شده‌مان را محاسبه و تعیین کنیم؟
- به بیان ساده‌تر، هنگامی که بتوانیم تعیین کنیم چه چیزی را، چه تعداد، از کجا، چه زمانی و با چه قیمتی باید تهیه کنیم، به توانایی هزینه‌کرد صحیح دست یافته‌ایم. با مرور روش و عملکرد خود و اطرفیانمان در خرید، به خوبی درمی‌یابیم که خیلی از ما در هزینه‌کرد دچار مشکل هستیم. اغلب ما، در هنگام خرید یک کالا یا خدمت، تنها به این می‌اندیشیم که آیا پول کافی برای خرید داریم یا نه.

پس انداز؛ مقدمه موفقیت مالی

در صورتی که در خرج کردن به توانایی مطلوبی دست یابیم، می‌توانیم پس انداز کنیم. بنابراین، به عنوان یکی از ابعاد سواد مالی، لازم است مهارت‌های مورد نیاز پس انداز عاقلانه را داشته باشیم.

به طور خلاصه، پس انداز عبارت است

از تأمین منابع مالی شخصی (از محل خود) در زمان مورد نیاز. در نگاه نخست، پس انداز ساده‌ترین کار است. در این نگرش، کافی است آن بخش از پول خود را که بدان نیاز ندارید، نزد خود یا حساب پس انداز در بانک نگاه دارید. این نگاه نادرست است. پس انداز پیچیده‌تر از آن است که به نظر می‌رسد. بیشتر مردم به دلیل ناآگاهی از عوامل مؤثر بر و متأثر از پس انداز، با آن ساده‌انکارانه برخورد می‌کنند و به همین دلیل دچار زیان می‌شوند.

پس انداز اگرچه ضروری است، اما پس انداز زیاد اصلاً مناسب نیست. دلیل نادرست بودن پس انداز بلندمدت پیچیده نیست، تورم باعث کاهش ارزش پایه پولی می‌شود. بنابراین، پول پس انداز شده هم به مرور ارزش خود را از دست می‌دهد. رابطه میزان پس انداز با مدت آن مستقیم است. یعنی هرچه از مدت پس انداز بیشتر بگذرد، از ارزش آن نیز به میزان بیشتری کاسته می‌شود.

حالا تکلیف چیست؟ از یک سو در نیاز به پس انداز تردید نیست. از سوی دیگر، پس انداز و به ویژه در بلندمدت، ارزش خود را از دست می‌دهد. به کمک مهارت پس انداز می‌توان دریافت:

- میزان متناسب و متعادل پس انداز پول چقدر باید باشد؟
- پول را تا چه مدت باید پس انداز کرد؟
- پول را در کجاها باید پس انداز کرد؟ خانه، صندوق امانات، صندوق پس انداز قرض الحسنه خانوادگی، مسجد یا بانک؟
- چه موقع باید به پس انداز خود افزود و چه موقع باید آن را کاهش داد؟
- مزایا و معایب هر کدام از محل‌های پس انداز چیست؟

با این حال، بسیاری از کودکان علاقه‌ای به پس انداز کردن ندارند. حتماً شما هم مانند من کودکان بسیاری را دیده‌اید که به محض دریافت پول به عنوان هدیه، عیدی یا پول توجیبی، بلافاصله آن را خرج می‌کنند. حتی نمی‌دانند که چه می‌خواهند. فقط می‌خواهند هرچه زودتر آن را خرج کنند. این را از رفتارشان و آشفتگی خاطرشان در هنگام مراجعه به سوپرمارکت یا فروشگاه محل می‌توان دریافت. این حس، آفت بزرگی برای آن کودک، خانواده و جامعه است. شاید در سطح خرد، وارد کردن پول ناچیزی به بازار، اثری نداشته باشد، اما در سطح کلان، قسمتی از آثار تورمی، ناشی از ورود نقدینگی به بازار است و طبق یک قضیه قابل اثبات در علم اقتصاد، تورم، تورم می‌آورد.

پس انداز علاوه بر ایجاد امکان تأمین مالی در موارد مقتضی، به کنترل حجم نقدینگی در جامعه و در نتیجه کاهش تورم و در نهایت به سود همه خواهد انجامید. بنابراین، آموزش پس انداز نه تنها فایده‌های فردی دارد، بلکه به دلیل آثار اجتماعی، توسعه قابلیت‌های آن از سوی حاکمیت و نظام آموزش رسمی، یک ضرورت محسوب می‌شود.